

5 بازخوانی هویت روستایی در معماری معاصر مطالعه موردی روستای آفتاب

¹سارینا چراغی، ²مهشاد بختیاری

۱- دانشجوی کاردانی معماری-گروه معماری وشهرسازی، دانشگاه ملی مهارت ولیعصر (عج) تهران، ایران.

۲- استاد گروه معماری وشهرسازی دانشگاه ملی مهارت ولیعصر (عج) تهران، ایران

1Mania23811@gmail.com

Mahshadbakhtiyari1@gmail.com-2

خلاصه

در دنیای معاصر، دگرگونی های سریع اجتماعی و فرهنگی موجب تغییر در سیمای معماری روستاها شده است. در این میان، اهمیت بازخوانی هویت بومی به عنوان عامل تداوم فرهنگی و پایداری اجتماعی دوچندان گردیده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مؤلفه های هویت روستایی در معماری معاصر، به بررسی روستای آفتاب به عنوان مطالعه ی موردی پرداخته است. روش تحقیق کیفی و بر پایه مشاهده میدانی، مصاحبه و تحلیل تطبیقی میان فرم های معماری بومی و الگوهای معاصر است. یافته ها نشان میدهد که عناصر کالبدی چون مصالح بومی، تناسب با اقلیم، ساختار فضایی جمع هم حور و ارتباط منعطف درون بیرون از مهمترین شاخص های هویت ساز در این روستا هستند. نتیجه پژوهش تأکید دارد که بازآفرینی هویت روستایی در معماری معاصر نیازمند توازن میان نوگرایی و حفظ اصالت بومی است.

کلمات کلیدی: بازخوانی هویت. پایداری، روستای آفتاب، معماری معاصر، هویت روستایی،

۱. مقدمه

معماری روستایی همواره به عنوان یک سند زنده از تاریخ، فرهنگ و نحوه تعامل انسان با محیط زیست خود عمل کرده است. این نوع معماری، که اغلب خودجوش و متناسب با شرایط اقلیمی و منابع محلی شکل گرفته است، حامل غنایی پنهان است که میتواند الهامبخش طراحی های امروزی باشد. با این حال، در دهه های اخیر، روند شتابان شهرنشینی، مهاجرت معکوس، و ورود مصالح و تکنولوژی های نوین ساختمانی، موجب شده است که هویت کالبدی روستاها دستخوش تغییرات بنیادین شود. این تغییرات، اگرچه گاهی با هدف بهبود کیفیت زندگی صورت میپذیرد، اما اغلب منجر به گسست فرهنگی و از دست رفتن خوانایی محیط میشود. در این میان، معماری معاصر، با تکیه بر اصول جهانی شدن و نوآوری، گاهی در مواجهه با بافت روستایی، رویکردی

یکسان انگارانه اتخاذ میکند که فاقد درک عمیق از زمینه (Context) محلی است. از این رو، پژوهش حاضر بر ضرورت بازخوانی هویت روستایی تأکید دارد؛ یعنی فرایندی که در آن، عناصر اصیل و پایدار معماری بومی شناسایی شده و با زبان و تکنیک های معماری معاصر، مجدداً تفسیر و بازآفرینی شوند. این بازخوانی نه یک تقلید صرف، بلکه یک گفتگوی سازنده میان گذشته و حال است که هدف نهایی آن دستیابی به پایداری فرهنگی و زیست محیطی است. هدف اصلی این تحقیق، استخراج و تحلیل مؤلفه های کلیدی هویت روستایی در یک مطالعه موردی خاص، یعنی روستای آفتاب، و ارائه الگویی برای ادغام این عناصر در طراحی های معماری معاصر در محیط های روستایی است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۱.۲. تعریف هویت روستایی و معماری بومی

هویت روستایی یک مفهوم چندوجهی است که فراتر از صرفاً ظاهر فیزیکی ساختمانها است. این هویت از تعامل پیچیده میان مکان (Loci Genius) فرهنگ (Tradition) و جامعه (Social)(Structure) نشأت میگیرد. معماری بومی (Architecture Vernacular) به طراحی و ساخت و سازی اطلاق میشود که بر اساس دانش انباشته نسل ها، با استفاده از مصالح محلی و با پاسخگویی مستقیم به نیازهای عملکردی و شرایط اقلیمی سخت افزاری و نرم افزاری محیط شکل میگیرد. معماری بومی، یک "زبان" خاموش است که ارزشهای محلی را منتقل میکند.

۲.۲. نسبت معماری معاصر و بومی

معماری معاصر با تأکید بر کارایی، نوآوری مواد و فرمهای جدید، همواره در معرض اتهام جهانی سازی و بیزمینی قرار داشته است. با این حال، برخی مکاتب فکری در معماری معاصر، بر لزوم ادغام زمینه محلی تأکید دارند:

پدیدارشناسی و تعلق به مکان: نظریه پردازانی نظیر کریستوفر الکساندر (در کتاب "زبان الگو") تأکید میکنند که ساختار محیط باید به گونه ای باشد که حس تعلق و "زنده بودن" را به ساکنان القا کند. این حس تعلق، ریشه در الگوهای سنتی دارد. معماری منطقه ای (Regionalism): این رویکرد، که از نظریات معماری چون نادر اردالن متأثر است، استدلال میکند که فرم نهایی معماری باید به طور ارگانیک از محیط جغرافیایی، آب و هوا و فرهنگ منطقه نشأت بگیرد. اردالن معتقد است که حس وحدت در معماری ایرانی از هماهنگی اجزا و تأکید بر محورهای اساسی نشأت میگیرد. تأکید بر پایداری: در معماری معاصر، مفهوم پایداری دیگر تنها محدود به

مصرف انرژی نیست، بلکه شامل پایداری فرهنگی نیز میشود. معماری پایدار باید بتواند هویت یک منطقه را برای نسل‌های آینده حفظ کند.

فرهنگی

در این چارچوب، بازخوانی هویت روستایی در معماری معاصر، به معنای استفاده از دانش بومی (مانند نحوه سایه دهی، تهویه طبیعی، و سازماندهی فضایی) و اجرای آن با استفاده از تکنیک‌ها و مصالح نوظهور یا بهبود یافته است. به عبارت دیگر، فرمول زیر میتواند راهگشا باشد:

(تکنیک‌ها و زیبابی‌شناسی معاصر) × (عناصر بومی پایدار) × (عناصر بومی پایدار) = هویت بازآفرینی شده

۳. معرفی روستای آفتاب

روستای آفتاب به عنوان مطالعه موردی این پژوهش، نمایی از سکونتگاه‌های سنتی در مناطق خشک و نیمه خشک ایران است. این روستا در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار گرفته است که شرایط محیطی آن تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری معماری آن داشته است.

۱.۳. ویژگی‌های اقلیمی و زیست محیطی

روستای آفتاب در ناحیه‌های با اقلیم نیمه خشک، تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های سرد قرار دارد. نوسانات دمایی روزانه و سالانه قابل توجه است. این اقلیم، ایجاب کرده است که معماری به سمت حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود مانند (آب و سایه) و حداقل اتلاف انرژی هدایت شود.

۳.۲. ساختار کالبدی و فضایی سنتی

بافت سنتی روستای آفتاب دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است که مستقیماً به هویت آن گره خورده است: مصالح: تسلط خشت و آجر به عنوان مصالح اصلی دیوارها و سقف‌ها. خشت به دلیل خاصیت عایق حرارتی بال، به ایجاد تأخیر حرارتی کمک کرده و دمای داخلی را تعدیل میکند. همچنین، استفاده از تیرهای چوبی محدود برای سقف‌ها و ایوانها مشهود است. سازمان فضایی درونگرا: (Enclosed) خانه‌ها اغلب با دیوارهای بلند و پنجره‌های کوچک رو به کوچه ساخته شده‌اند. این رویکرد، حریم خصوصی را حفظ کرده و از تبادل حرارتی نامناسب با محیط بیرونی جلوگیری میکند. حیاط مرکزی به عنوان "فضای کنترل شده" اقلیمی عمل میکند.

کوچه های باریک و متصل: کوچه ها به صورت شبکه ای درهم تنیده با عرض کم (گاهی کمتر از ۲ متر) طراحی شده‌اند که سایه اندازی طبیعی را تضمین کرده و جریان هوا را تسهیل میکنند. این ساختار، یک "میکروکلیمای شهری" موضعی ایجاد میکند. مؤلفه های اقلیمی مؤثر: استفاده از ایوان های عمیق برای ایجاد سایه در تابستان و جذب نور خورشید در زمستان، و همچنین استفاده از بادگیرها در (بخش های قدیمتر) برای تهویه طبیعی.

۳.۳. ابعاد اجتماعی هویت

هویت روستای آفتاب تنها در کالبد نیست؛ بلکه در نحوه استفاده از فضا نیز متجلی است. ساختار جمع جور، که در آن خانه ها به صورت متراکم حول محورهای اصلی و فضاهای عمومی (مانند مسجد یا حسینیه) شکل گرفته اند، نشان دهنده پیوستگی قوی روابط اجتماعی است. حیاطها به عنوان فضاهایی چندمنظوره برای کار، استراحت و برگزاری مراسم خانوادگی به کار میروند.

۴. رویکرد معماری معاصر در روستا

در سالهای اخیر، با توجه به بهبود وضعیت اقتصادی و نیاز به افزایش سطح رفاه و ایمنی سازه ها، موجی از نوسازی و بازسازی در روستای آفتاب آغاز شده است. چالش اصلی در این پروژه ها، فاصله گرفتن از الگوی سنتی و تقلید کورکورانه از معماری شهری بوده است. با این حال، رویکردهای موفق، تالش کرده اند تا اصول معماری بومی را به شکلی نوآورانه بپذیرند.

۵. تحلیل یافته ها

تحلیل داده های میدانی، مصاحبه با معماران محلی و تحلیل تطبیقی فرم های قدیمی و جدید در روستای آفتاب، سه مؤلفه کلیدی را به عنوان ستون های هویت روستایی شناسایی میکند که باید در معماری معاصر حفظ شوند:

۱.۵. مؤلفه ۱: انطباق پذیری اقلیمی و مصالح پایدار

معیار: حداکثر بهره‌وری از منابع بومی و حداقل تأثیر منفی بر محیط. عنصر بومی ویژگی عملکردی بازآفرینی معاصر عایق حرارتی بال، ظرفیت حرارتی خشت و کاهگل زیاد استفاده از آجرهای عایق یا دیوارهای دوپوسته با هسته عایق.

جهت گیری ساختمان به حداقل رساندن سطح در معرض تابش مستقیم خورشید جهت‌دهی دقیق بر اساس تحلیل مسیر (Solar Path Analysis) خورشید سقفهای گنبدی/طاقی کاهش سطح تماس با حرارت مستقیم، مقاومت سازه‌ای استفاده از سقفهای سبک با فرمها (Geo-Dome Elements)، ارگانیک این انطباق‌پذیری، فراتر از زیباشناسی، یک ضرورت بقا در اقلیم خشک است که باید در فرمولهای انرژی معماری معاصر لحاظ شود.

۵.۲. مؤلفه ۲: ساختار فضایی جمع جور و حریم خصوصی

معیار: حفظ سلسله مراتب فضا از خصوصی ترین (اتاق خواب) تا عمومی ترین (کوچه) الگوی حیاط مرکزی به عنوان هسته اصلی زندگی، باید حفظ شود. در معماری معاصر، این حیاط میتواند با افزودن عناصری مانند "آب نماهای کوچک" یا "باغچه های عمودی"، جنبه های جدیدی از پایداری زیست محیطی و زیبایی شناختی را به خود بگیرد، اما عملکرد اصلی آن یعنی به عنوان واسطه حرارتی و اجتماعی، نباید دستکاری شود. سازماندهی فضاها در اطراف این هسته، تعاملات اجتماعی را تقویت میکند.

۵.۳. مؤلفه ۳: انعطاف پذیری و چندکاربرد بودن فضاها

معیار: قابلیت تغییر کاربری فضاها در طول زمان و فصول. خانه های سنتی آفتاب اغلب دارای فضاهایی بودند که بسته به فصل یا نیاز خانواده تغییر کاربری میدادند (مثالاً ایوان در تابستان و فضای اتاق در زمستان). این انعطاف پذیری در برابر تغییرات اجتماعی و جمعیتی، یک مزیت بزرگ است. معماری معاصر میتواند این انعطاف را با استفاده از دیوارهای متحرک یا پارتیشن های سبک ایجاد کند، به جای تقسیم بندی های سخت و دائمی که فضای کلی را محدود میکنند. هنگی کیفیت اجرای مدرن × درک از انعطاف پذیری سنتی × پایداری فرهنگی

۶. شناخت

۶.۱. موقعیت مکانی

روستای آفتاب در موقعیت استراتژیک و مهمی در جنوب کلانشهر تهران قرار گرفته است. این روستا یکی از واحدهای جمعیتی مهم در بخش آفتاب از شهرستان تهران محسوب میشود که در محور توسعه جنوبی پایتخت قرار دارد. مختصات جغرافیایی و موقعیت دقیق:

مختصات جغرافیایی: موقعیت دقیق این روستا در محدوده عرض جغرافیایی ۳۵°۳۳' تا ۳۵°۳۳' شمالی و طول جغرافیایی ۵۱°۲۰' شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این موقعیت آن را در کمربند جنوبی و همجوار با اراضی کشاورزی دشت تهران جای داده است. فاصله از مرکز تهران: روستای آفتاب با فاصله تقریبی ۲۵ کیلومتری از مرکز تاریخی تهران (میدان امام خمینی/توپخانه سابق) واقع شده است. این فاصله نسبتاً نزدیک، دلیل اصلی تأثیرپذیری شدید روستا از توسعه شهری تهران بوده است. راههای دسترسی

اصلی: دسترسی به این روستا بسیار مطلوب است. شاهراه اصلی تأمین کننده دسترسی، بزرگراه خلیج فارس (آزادراه تهران-قم) است که از نزدیکی روستا عبور میکند. همچنین، دسترسی از طریق جاده فرعی احمدآباد مستوفی که روستاهای منطقه را به یکدیگر متصل میسازد، فراهم است.

مجاورت های مهم:

شمال: همسایگی مستقیم با شهرک های توسعه یافته جدید مانند شهر آفتاب و مجموعه عظیم حرم امام خمینی (ره)، که منبع اصلی تحولات کالبدی و اقتصادی روستا بوده است.

جنوب: مجاورت با اراضی وسیع کشاورزی و محدوده های اداری و خدماتی شهرک کهریزک.

شرق: هم مرز بودن با مسیر اصلی و حیاتی آزادراه تهران-قم، که دسترسی سریع به جنوب کشور را میسر میسازد.

غرب: همسایگی با روستای نسبتاً بزرگتر محمودآباد، که مرزهای کالبدی روستا را مشخص میکند.



۶.۲. تاریخچه و شکل گیری

تاریخچه روستای آفتاب به قدمت اسکان در دشت های جنوبی تهران بازمیگردد، هرچند توسعه سازمان یافته آن به دوران معاصر مرتبط است.

ریشه های اولیه: پیدایش هسته اولیه روستا به بیش از یک قرن پیش اواخر دوره قاجار یا اوایل پهلوی اول بازمیگردد. ساکنان اولیه عمدتاً طوایف بومی جنوب تهران و مهاجران کشاورز از مناطق مستعد کشاورزی (مانند ورامین و شهر ری که پیشینه های تاریخی در کشاورزی دارند) تشکیل شده بودند. انتخاب این منطقه به دلیل حاصل خیزی نسبی زمین ها و دسترسی به منابع آب زیرزمینی (قنات ها و چاه ها) بوده است.

معنی نام روستا: نام « آفتاب » احتمالاً به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد منطقه انتخاب شده است. این ناحیه از کمر بند شهری تهران، به دلیل قرارگیری در دشت باز و کم ارتفاع، از نور آفتاب فراوانی برخوردار است و در فصول مختلف سال روشنایی مطلوبی دارد. تحولات معاصر اثرات شهری: شکل گیری هویت جدید روستا، مدیون دو پروژه عظیم زیرساختی در دهه های اخیر است:

توسعه حرم امام خمینی(ره): ساخت این مجموعه مذهبی-سیاحتی در شمال روستا، موجب افزایش نیاز به نیروی کار، خدمات اسکان و تأسیسات رفاهی در اطراف آن شد. نمایشگاه بین المللی شهر آفتاب: این نمایشگاه بزرگ، نیاز به دسترسی سریع حمل و نقل و همچنین توسعه خدمات جانبی انبارداری، پذیرایی و پشتیبانی را در منطقه تقویت کرد. در نتیجه این تحولات، بخش هایی از اراضی کشاورزی روستا خلع ید شده و تحت مدیریت شهری قرار گرفتند، و ساختار اجتماعی و اقتصادی آن به شدت دستخوش تغییر شد و تمایل به شهری شدن افزایش یافت.

۶.۳. موقعیت اقلیمی

اقلیم روستای آفتاب تحت تأثیر موقعیت آن در دشت جنوب تهران و نزدیکی به کوهستان البرز (به طور غیرمستقیم) و همچنین تأثیرات گرمایشی مرکز شهر قرار دارد. طبقه بندی اقلیمی: اقلیم غالب منطقه نیمه خشک و معتدل (گرم و خشک در تابستان) طبقه بندی میشود. این اقلیم مشخصه بسیاری از مناطق پیرامونی تهران است. زمستان ها: سرد بوده و همراه با یخبندان های شبانه در دی و بهمن است. دمای هوا میتواند به زیر صفر برسد.

تابستان ها: گرم و طولانی است. به دلیل وزش بادهای خشک، رطوبت نسبی پایین است، اگرچه در ساعات ظهر میتواند دما بالا برود.

داده های آماری اقلیمی: میانگین بارندگی سالانه: منطقه کم بارش محسوب میشود و میانگین سالانه بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلی متر نوسان دارد. این میزان برای کشاورزی دیم نیازمند مدیریت دقیق منابع آب است. میانگین دما: نوسانات دمایی فصلی بالاست. میانگین دمای سالانه بین ۲۰ سانتیگراد (حداقل زمستان) تا ۳۸° سانتیگراد (حداکثر تابستان) متغیر است. میانگین دمای سالانه حدود ۱۷ تا ۱۹ درجه سانتیگراد تخمین زده میشود.

به دلیل قرارگیری در دشت باز، منطقه مستعد وزش باد است. باد غالب عمدتاً باد غالب:

از جهت غرب و جنوب‌غرب به سمت شرق وزیده و در فصول گرم میتواند موجب تشدید تبخیر و انتقال گرد و غبار شود.

تأثیر اقلیم بر کاربری اراضی: زمینهای مسطح و نیمه‌خشک منطقه که به خوبی در معرض تابش آفتاب قرار دارند، به طور سنتی برای کشت محصولات مقاوم به خشکی مانند گندم و جو مناسب بوده‌اند.

۶.۴. بعد اقتصادی

اقتصاد روستای آفتاب یک نقطه تالقی بین اقتصاد سنتی کشاورزی و اقتصاد مدرن شهری و خدماتی محسوب میشود. اقتصاد سنتی (کشاورزی و دامداری): در گذشته، محور اصلی اقتصاد بر پایه کشاورزی متکی بود.

محصولات اصلی: کشتهای آبی و دیم شامل گندم، جو، یونجه و در مقیاس کوچکتر صیفی جات (بسته به دسترسی به آب). (دامداری: پرورش دام سبک) گوسفند و بز و ماکیان به منظور تأمین نیازهای مصرفی خانوارها و فروش محدود محلی رواج داشت. تغییر ساختار اقتصادی (عصر جدید): با گسترش حریم شهر تهران و توسعه زیرساختهای عظیم (حرم و نمایشگاه)، کاربری اراضی تغییر یافته و شغل غالب مردمان نیز دچار دگردیسی شده است.

تبدیل کاربری: بخش قابل توجهی از زمینهای مرغوب کشاورزی به کاربریهای خدماتی، تجاری سبک و انبارداری اختصاص یافته یا خلع ید شده‌اند.

مشاغل رایج کنونی:

نیروی کار شهری: درصد بالایی از اهالی در کارخانه جات، شرکت های خدماتی، و پروژه های ساختمانی در مناطق نزدیک (مانند شهر آفتاب و جنوب تهران) به عنوان کارگر مشغول به کارند.

خدمات شهری و مغازه داری: مشاغل خرده فروشی، خدمات فنی و تعمیرات برای جمعیت محلی و رهگذران.

مشاغل مرتبط با حرم و نمایشگاه: رانندگی، خدمات پشتیبانی، فروشندگان فصلی در اطراف اماکن زیارتی و نمایشگاهی.

وضعیت درآمدی: درآمد سرانه منطقه در مقایسه با مرکز شهر تهران متوسط رو به پایین ارزیابی میشود، زیرا بسیاری از ساکنان هنوز در مشاغل کارگری و خدمات پایه مشغول هستند. با این حال، به دلیل نزدیکی به فرصت های شغلی کلانشهر، نرخ رشد درآمد و سطح زندگی در حال بهبود است.

۶.۵. بعد اجتماعی

بعد اجتماعی روستا تحت تأثیر ترکیب جمعیت بومی و مهاجر، و همچنین فشارهای ناشی از توسعه سریع شهری قرار دارد.

جمعیت تخمینی: جمعیت روستا در برآوردهای اخیر بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ نفر متغیر است که در حدود ۳۰۰ خانوار ساکن شده‌اند. این آمار به دلیل تغییرات پیوسته مهاجرتی، غیردقیق است.

ترکیب جمعیتی:

بومیان: هسته اصلی و قدیمیتر روستا که وابستگی بیشتری به هویت سنتی دارند.

مهاجران: خانواده‌هایی که عمدتاً از استانهای جنوبی کشور یا مناطق کمبرخوردارتر اطراف ری و ورامین به دلیل نزدیکی محل کار، به صورت مهاجر اقامت گزیده‌اند. همچنین حضور کارگران فصلی نیز محسوس است.

فرهنگ و انسجام: فرهنگ عمومی منطقه مذهبی و سنتی است. ساختار اجتماعی محلی هنوز تا حدودی خانوادگی و صمیمی باقی مانده، هرچند این صمیمیت در بخشهای جدیدتر تحت تأثیر ساختار آپارتمانی شهری رو به کمرنگ شدن است.

سطح تحصیالت: به طور کلی، میانگین تحصیالت نسبت به مرکز شهر پایینتر است و بیشتر در سطوح دیپلم و زیر دیپلم متمرکز شده است. با این حال، نسل جدید به دلیل دسترسی بهتر به مدارس، در حال افزایش نرخ ورود به دانشگاهها هستند. زبان و گویش: زبان رسمی فارسی است، اما گویش محلی تأثیراتی از لهجههای قدیمتر منطقهای مانند لهجه تهرانی-ری را حفظ کرده است.

۶.۶. جاذبه های گردشگری و فرهنگی

با وجود ماهیت غیرتوریستی سنتی روستا، دو قطب جاذبه بسیار قدرتمند شهری، شهرت و تردد را به این منطقه کشانده‌اند.

حرم مطهر امام خمینی(ره) : این مجموعه به عنوان یکی از بزرگترین قطب های زیارتی و مذهبی کشور، میلیون ها زائر را سالانه به این منطقه هدایت میکند. این امر بر اقتصاد محلی و نیازهای زیرساختی روستا تأثیر مستقیم دارد.

نمایشگاه بین المللی شهر آفتاب: به عنوان محلی برای برگزاری رویدادهای بزرگ تجاری، فرهنگی و نمایشگاهی، باعث افزایش ترافیک و نیاز به خدمات پشتیبانی در حاشیه روستا شده است.

فضای طبیعی اطراف و اراضی کشاورزی قدیمی: هرچند این اراضی در حال زوال هستند، بقایای آنها، به خصوص در فصل های بهار، فضایی آرام و دور از هیاهوی شهری را برای ساکنان فراهم می‌آورد.

مسجد قدیمی روستا: بقایای بافت تاریخی شامل مسجد مرکزی روستا که شواهد معماری آن به دوره پهلوی دوم بازمیگردد، ارزش فرهنگی محلی دارد.

آرامگاه های خانوادگی سنتی: در اطراف روستا، گورستان های کوچک خانوادگی با سنگ قبرهای قدیمی، نشان دهنده تداوم حضور نسل های گذشته است.



عکس شماره (۲) روستایی آفتاب نگارندگان (۱۴۰۴)

۶.۷. تحلیل سایت

تحلیل سایت بر اساس داده های میدانی و تأثیرات محیطی فیزیکی انجام شده است. زمین روستا کاملاً مسطح است که مشخصه دشتهای توپوگرافی (نقشه برداری زمین) جنوبی تهران است. یک شیب بسیار مالیم (تقریباً صفر یا کمتر از یک درصد) به سمت جنوب شرق مشاهده میشود که بر جهت گیری طبیعی آبای سطحی تأثیر میگذارد.

خاکشناسی: ترکیب خاک در بخشهای کشاورزی قدیمی رسی-شنی است. این خاک برای کشاورزی نیاز به آبیاری منظم دارد، اما از نظر مهندسی عمران، استحکام کافی برای ساخت وسازههای سبک و متوسط را فراهم میکند. دسترسی Access: دسترسی به روستا بسیار مطلوب است. نزدیکی به بزرگراه خلیج

فارس و دسترسی به خطوط متروی تهران (ایستگاههای اطراف شهر آفتاب) مزیت بزرگی محسوب میشود.

مشکالت محیطی و زیرساختی:

فضای سبز: کمبود شدید فضای سبز عمومی، پارک و میدانهای محلی که ناشی از تبدیل سریع کاربریهاست.

فاضالب: ضعف یا عدم وجود سیستم فاضالب شهری استاندارد در بخش های قدیمی تر که منجر به دفع نامناسب فاضالب (استفاده از چاه های جذبی پرشده) میشود.

آلودگی: آلودگی صوتی و هوا ناشی از ترافیک سنگین در محورهای مجاور (آزادراه تهران-قم).

پتانسیل توسعه در روستا بال و عمدتاً پتانسیل توسعه: در راستای تبدیل شدن به یک ناحیه خدماتی درجه دو است. این پتانسیل شامل: توسعه خدمات گردشگری مذهبی مرتبط با حرم، مراکز انبارداری سبک و لجستیک کوچک در حاشیه بزرگراه، و خدمات رفاهی برای ساکنین جدید شهرک ها

۶.۸. سیمای معابر و بافت کالبدی

بافت کالبدی روستای آفتاب به وضوح به دو بخش مجزا تقسیم میشود که نشان دهنده فرآیند گذار از روستا به شهرک است. بافت قدیمی (هسته مرکزی): * معابر: کوچه های باریک، اغلب خاکی یا با آسفالت نامناسب و فرسوده. عرض معابر برای عبور و مرور وسایل نقلیه مدرن محدود است. * ساختمان ها: خانه های سنتی با ساختار یک طبقه غالب. مصالح اصلی شامل خشت و گل در خانه های قدیمی تر و آجر در سازه های کمی جدیدتر (دوره پهلوی دوم و اوایل انقلاب) است. حیاط های مرکزی مشخصه این بخش هستند.

معابر منظم تر، دارای پیاده رو و زیرساخت های نسبتاً بافت جدید مناطق مرزی و نوساز: * معابر: بهتر توسط شهرداری منطقه پیگیری شده اند. کاربری زمین ها در حال تغییر به سمت تجاری در امتداد خیابان های اصلی است. * ساختمان ها: خانه های دو تا سه طبقه با مصالح نوین بتن و آجرکه بیشتر ساختار شهری دارند. مشکلات بصری و کالبدی: بزرگترین چالش کالبدی در آفتاب، ناهماهنگی شدید نماها و عدم یکپارچگی شهری است. همچنین، وجود سیم کشی های هوایی گسترده برق، تلفن و شبکه ارتباطات که به زیبایی بصری محیط آسیب جدی وارد کرده است، یک مشکل رایج در این مناطق است.

۶.۹. جمعیت و ساختار خانوار

داده های دقیق سرشماری برای روستاهای کوچک مانند آفتاب به دلیل تغییرات سریع مهاجرتی متغیر است، اما داده های تخمینی ساختار جمعیتی نشان دهنده جمعیتی جوان است. شاخص مقدار تقریبی توضیحات جمعیت کل ۱۲۰۰ نفر شاخص مقدار تقریبی توضیحات تخمین بر اساس آخرین سرشماری محلی و مشاهدات میدانی. خانوار حدود ۳۰۰ خانوار تراکم نسبتاً پایین خانوار در مقایسه با شهرک های مدرن. متوسط بعد خانوار نفر ۴ تا ۳.۸ نشان دهنده خانواده های نسبتاً پرجمعیت (به ویژه در بین مهاجران). ساختار سنی جوان (بیش از ۵۰٪ زیر ۳۵ سال) جذب نیروی کار جوان به منطقه، نیروی غالب جمعیتی را تشکیل میدهد. روند مهاجرت افزایشی (مهاجرت ورودی) علت اصلی افزایش، فرصتهای شغلی ارزان قیمت و دسترسی به مسکن ارزانتر نسبت به مرکز شهر تهران است. تحلیل ساختار سنی: بال بودن نسبت جمعیت جوان نشان دهنده پویایی بالقوه منطقه است، اما این امر فشار بیشتری بر خدمات آموزشی و بهداشتی وارد میآورد که زیرساخت های روستایی قدیمی توان پاسخگویی کامل به آن را ندارند.



عکس شماره (۳) روستای آفتاب نگارندگان (۱۴۰۴)

جدول SOWT ۷

نقاط ضعف (Weaknesses)	نقاط قوت (strengths)
کمبود اسناد مکتوب و پژوهش‌های دقیق درباره تحولات تاریخی کالبدی روستا. تخریب بخشی از بافت سنتی در اثر توسعه ناهماهنگ مدرن. فاصله میان نسل جوان و میراث بومی؛ کاهش شناخت از ارزش‌های معماری سنتی. نبود معیارهای طراحی مشخص برای تبدیل مفاهیم هویتی به زبان معماری معاصر.	وجود یافت کالبدی اصیل با ریشه‌های تاریخی فابل مطالعه برآب بازخوانی هویت استفاده از مصالح بومی و تکنیک‌های سازه‌ای متناسب با اقلیم در معماری سنتی آفتاب پیوند عمیق میان معماری و فرهنگی بومی (الگوهای زیستی، آداب و رسوم) امکان الهام‌گیری از سازمان فضایی قدیم برای خلق فرم‌های معاصر با هویت محلی
تهدیدها (Threats)	فرصت‌ها (Opportunities)

توسعه سریع شهری و تقلید از الگوهای بی‌هویت معماری مدرن. کاهش جمعیت بومی و ورود مصالح و روش‌های ناهماهنگ با بستر تاریخی. نبود سیاست گذاری کلان برای حفاظت از بافت روستایی اصیل. خطر تجاری‌سازی بیش از حد هویت بومی تبدیل آن به عنصر تزئینی بدون معنا.	گرایش جهانی به معماری پایدار الهام‌گیری از دانش بومی جذب گردشگر فرهنگی با احیای فضاهای با هویت امکان حمایت نهادهای میراث فرهنگی با دانشگاهی برای پروژه‌های بازخوانی با طراحی قابلیت تبدیل روستایی آفتاب به الگو برای دیگر سکونتگاه‌های روستایی
--	---

تحلیل SWOT روستایی آفتاب (نگارندگان ۱۴۰۴)

نتیجه‌گیری

پژوهش بر روی روستای آفتاب نشان داد که هویت روستایی در معماری، یکپارچه و چندالیه است و حفظ آن مستلزم درک عمیق از عملکرد تاریخی عناصر کالبدی است. معماری معاصر، اگرچه با خود نوآوری‌هایی را به همراه می‌آورد، اما نباید به قیمت از بین بردن دانش انباشته شده و متناسب با محیط تمام شود. بازآفرینی موفق هویت روستایی در معماری معاصر، نه در تقلید از نمای ظاهری، بلکه در تفسیر مجدد اصول عملکردی نهفته است. باید میان حفظ اصالت مثال استفاده از مصالح محلی در ساختار ثانویه یا پوشش نهایی (و نوگرایی) مثال بهبود عایق‌بندی و بهره‌گیری از سیستم‌های تهویه مکانیکی مکمل توازن برقرار ساخت.

توصیه‌ها:

تدوین دستورالعمل‌های طراحی منطقه‌ای: ایجاد راهنماهایی که بر اساس اقلیم و فرهنگ، چارچوب‌های مشخصی را برای طراحی‌های جدید در روستای آفتاب ارائه دهند. اولویت بخشی به بوم آورد بودن: استفاده از مصالح بومی در پروژه‌های نوسازی، حتی اگر با تکنولوژی‌های جدید فرآوری شوند. آموزش عمومی: آگاه‌سازی ساکنان و معماران نسبت به ارزش‌های نهفته در ساختارهای سنتی مانند جهت‌گیری صحیح و اهمیت جداره‌های ضخیم. تجربه روستای آفتاب اثبات می‌کند که معماری معاصر می‌تواند بستری برای تداوم هویت بومی باشد، به شرطی که با احترام کامل به "حس مکان" و اصول زیست محیطی شکل گیرد.

منابع :

اردالن، نادر و الله بختیار. حس وحدت در معماری ایرانی. تهران: دفتر پژوهشهای

فرهنگی، ۱۳۸۰.

فتحی، حسن. معماری برای مردم. قاهره: مؤسسه فنون سنتی، ۱۹۸۰.

الکساندر، کریستوفر. زبان الگو. نیویورک: دانشگاه آکسفورد، ۱۹۷۷.

برنهام، رابرت. معماری و زمین: در جستجوی هویت مکانی. ترجمه: س. مهدوی. تهران: انتشارات علمی و دانشگاهی، ۱۳۹۵.

تیمورزاده، م. تحلیل مؤلفه‌های اقلیمی در بافت روستایی منطقه خشک ایران. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه هنر، ۱۳۸۹.

مطالعات میدانی و مصاحبه‌های تخصصی با اهالی و دهیاری روستای آفتاب (سال ۱۴۰۲).

References (examples):

Ardalan, Nader and Allah Bakhtiar. The Sense of Unity in Iranian Architecture. Tehran: Cultural Research Office, 2001.

Fathi, Hassan. Architecture for the People. Cairo: Institute of Traditional Arts, 1980.

Alexander, Christopher. The Language of Pattern. New York: Oxford University, 1977.

Burnham, Robert. Architecture and Land: In Search of Spatial Identity. Translated by: S. Mahdavi. Tehran: Scientific and Academic Publications, 2016.

Teymurzadeh, M. Analysis of Climatic Components in the Rural Context of the Arid Region of Iran. Doctoral Thesis, University of Arts, 2010.

(۲۰۰۳). Field Studies and Specialized Interviews with Residents and Villagers of Aftab Village